

سیر تحول عناصر تزئینی اسلامی بناهای تاریخی و مساجد در دوره ایلخانی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸

کد مقاله: ۱۹۰۳۸

هادی باباخانی*

چکیده

سلسله ایلخانی از حدود سال ۶۶۳ هـ ق تا ۷۵۶ هـ ق بر ایران کنونی و سرزمین‌های اطراف آن حکمرانی کرد. تا اواخر قرن هشتم هجری قمری، حکومت‌های دست‌نشانده ایلخانی مانند آل مظفر، همچنان بر نواحی‌ای از ایران حکومت می‌کردند. آثار نفیسی از این دوران مانند ابنیه منطقه یزد باقی‌مانده است. این تحقیق به شیوه توصیفی و تحلیلی و از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است که مبتنی بر مطالعه، بازدیدها و کارهای انجام شده، تحقیق‌ها و پایان‌نامه‌های به روز و تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌باشد. عناصر تزئینی و هنر این دوره را می‌توان در حقیقت، تلفیقی از هنر شرق دور، آسیای مرکزی و هنر دوره‌های قبل ایران دانست. هنرمندان کوشیده‌اند تا با بهره‌گیری از این تأثیرات، آثار بدیعی را خلق نمایند که به مرور به سبکی مستقل تبدیل گشت. تزئینات ابنیه دوران اسلامی ایران، معمولاً از سه نوع مصالح آجر، گچ، کاشی و یا تلفیقی از اینهاست، که گچبری از دوران اولیه اسلام تا دوره تیموریان به عنوان عنصر قالب در تزئینات وجود داشته و عمده کاربرد آن در محراب‌ها و کتیبه‌های اجرا شده در بنا بوده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: عناصر تزئینی اسلامی، معماری، بناها و مساجد، ایلخانی.

یکی از دوره‌های مهم هنر اسلامی، «دوره‌ی ایلخانی» است که علی‌رغم حمله مغول به ایران و ویرانی‌ها و خرابی‌های ناشی از این تهاجم، ورود فرهنگ و کالاهای چینی مغولی خود پایه‌ای برای ایجاد سبک و تحولی نو در هنر ایران، به ویژه در کاشی‌کاری و نگارگری شد. تاق‌ها، کاشی‌های موزائیکی و گنبد‌های مدور از ویژگی‌های ساختاری معماری اسلامی خصوصاً در ایران است. قدمت معماری ایرانی به سال‌های پیش از میلاد بازمی‌گردد و بر معماری کشورهای هند، ترکیه و تاجیکستان تا زنگبار تاثیر شگرف گذاشته است. ساختمان‌ها و مجموعه‌های متنوعی از قبیل مساجد، آرامگاه‌ها، بازارها، پل‌ها و قصرها از زمان‌های قدیم و دوران باستان باقی مانده‌اند. ایرانیان می‌دانستند که چگونه ساختمان‌های بلند دارای فضای درونی گسترده بسازند و عبادتگاه‌هایشان همواره در تناسب و هماهنگی با عقاید و طبیعت اطرافشان بوده است. معماری مساجد در ایران از منطقه‌ای به منطقه دیگر تفاوت می‌کند که این تفاوت‌ها ناشی از ساختارهای هندسی، مصالح و سبک‌های مخصوص به هر محل است. این مساجد اغلب دارای ساختارهای بسیار پیچیده هستند که در آنها از تنوع رنگها، کاشی‌کاری و طرح‌های نمادین استفاده شده است. گنبد مساجد با منعکس کردن نور خورشید، همچون یاقوتی فیروزه‌ای بر بام مساجد می‌درخشد و مسافرانی که از جاده ابریشم وارد ایران شده و از این راه گذرگونه‌های جالب توجه مسجد شامل مساجد اولیه عباسی، مساجد T شکل، مساجد گنبد مرکزی آناتولی می‌شود. سبک‌های اولیه در معماری اسلامی، مساجد با طرح عربی یا ستون دار را در سلسله امویان را ایجاد کردند. این مساجد از یک نقشه مربع یا مستطیل با حیاط بسته و شبستان مسقف پیروی می‌کنند. اکثر مساجد ستون دار اولیه سقف‌های تخت در شبستان داشتند که به تعداد زیاد ستون و تکیه‌گاه احتیاج داشت. مزکویتا در قرطبه/ اسپانیا مانند یک مسجد ستون دار و متکی بر بیش از ۸۵۰ ستون ساخته شده است. مساجد طرح عربی تا سلسله عباسیان ادامه یافت. عثمانیان مساجد گنبد مرکزی را در قرن ۱۵ با یک گنبد بزرگ در مرکز شبستان معرفی کردند. اغلب علاوه بر داشتن یک گنبد بزرگ در مرکز، گنبد‌های کوچکتری نیز خارج از مرکز، بالای شبستان یا سرتاسر نواحی مسجد، در نواحی که نماز خوانده نمی‌شود، وجود دارد. گنبد مسجد قبه‌الصخره در اورشلیم احتمالاً شناخته شده‌ترین نمونه مسجد گنبد مرکزی است. با وجود تفاوت میان معماری و هنر معماری، معماری اسلامی دارای شاخصه‌های متفاوتی می‌شود که آن را از سبک و سیاق‌های دیگر بناها جدا می‌سازد. این مؤلفه‌ها شامل هندسه علمی و هنرهای ابداعی برگرفته از اندیشه‌های معنوی شخص می‌شود. ابداعی که معمار از آن بهره‌مند می‌شد، شیوه‌ای است که در هنر معماری پیش از این سابقه نداشته است و این به علت ویژگی‌های دینی در اندیشه زیبایی‌شناسی اسلام است که در هنر معماری اسلامی متجلی شده است (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۴).



تصویر ۱- آیات به کار رفته در گنبد دیلمی در کاشیکاری تزئینی، مأخذ: نصراله شهنازی، ۱۳۹۰

در هنر معماری اسلامی بیشتر از آیات قرآن به عنوان برجسته‌ترین ابداعات هنر اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفت که نوشته‌هایی از آیات قرآن بر روی سقف‌ها، دیوارها و یا ستون‌ها استفاده و به شکل خاص تزئین می‌شد. در گنبد دیلمی، هنگام ورود به مسجد از ضلع جنوبی در روبروی خود با دالان نسبتاً وسیعی مواجه می‌شویم که نسبت به سطح کوچه با تفاوت ۱٫۵ متری و ۱۰ پله‌ای در ارتفاع پایین تری قرار دارد. در سمت راست دالان، راهروی کوچکی قرار دارد که ما را به سمت شبستان هشت وجهی گنبددار هدایت می‌کند. این شبستان دارای قدیمی‌ترین گنبد آجری منطقه با تاریخ ۳۸۹ ه.ق با قدمتی بیش از ۱۰۴۰ سال می‌باشد (تصویر ۱). در واقع هنر پیش از زبان و ادبیات در زندگی انسان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط او به شمار می‌رفت. (حجت، ۱۳۸۸: ۱۸).

۲- روش تحقیق

این تحقیق به شیوه توصیفی و تحلیلی و از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی استفاده شده است که مبتنی بر مطالعه، بازدیدها و کارهای انجام شده، تحقیق‌ها و پایان‌نامه‌های به روز و تجزیه و تحلیل آن‌ها می‌باشد. طی مطالعات مقدماتی و کتابخانه‌ای بر موضوع پژوهش، مشخص گردید که در زمینه آثار گچبری معماری اسلامی ایران به طور خاص، پژوهش جامعی صورت نگرفته است.

۳- پیشینه تحقیق

باستان شناسان و متخصصان هنر ایران مانند آندره گدار، آرتور پوپ، لطف الله هنرفر و محمد یوسف کیانی در کتاب‌های خود به بررسی معماری ایران و معرفی برخی تزئینات وابسته به معماری پرداخته‌اند. دونالد ویلبر در زمینه معماری ایلخانی و تزئینات آن، پژوهش‌هایی انجام داده، و در مقوله گچبری به معرفی برخی تکنیک و شیوه‌های گچبری دوره ایلخانی پرداخته و اشاراتی به نقوش رایج در گچبری‌ها کرده است، اما توانسته به طور جامع، بازگوی این هنر در معماری ایران و به اوج رسیدن آن در این دوره باشد. برخی از محققان ایرانی مانند غلامعلی حاتم در رابطه با معماری عصر سلجوقی و تزئینات وابسته به آن، و مهدی مکی نژاد در رابطه با تزئینات معماری اسلامی ایران پژوهش‌هایی انجام داده‌اند که در نوع خود، به شناسایی بهتر معماری و هنر ایران کمک شایانی می‌کند. مکی نژاد، نقوش گچبری را به طور کلی به چند گروه نقوش انسانی و حیوانی، گیاهی، هندسی، خط و کتیبه تقسیم کرده که البته این تقسیم بندی در اغلب منابع موجود دیده می‌شود. متأسفانه تا کنون گچبری دوره ایلخانی با توجه به اینکه نقطه کمال و زیبایی این هنر در ایران است، از دیدگاه نقوش، به طور شایسته معرفی و سبک شناسی نشده است.

۴- یافته‌ها و مبانی نظری تحقیق

۱-۴ معماری اسلامی: منعکس کننده ارزشهای تاریخی و تمدنی مسلمانان

کاربرد هنر اسلامی در ساختمان‌ها و بناها، مسئله‌ای نبود که شریعت اسلام بر آن تأکید کند و شیوه‌ای مرسوم در راستای تربیت دینی به شمار نمی‌رفت، بلکه هنرمندان مسلمان به منظور دفاع از عقاید خود و حقانیت کلام خدا به ارائه تصاویری از احادیث دینی و آیات قرآنی و سیره نبوی اقدام کردند که با هدف دینی انجام می‌شد. تصویرسازی در هنرهای اسلامی بویژه معماری اسلامی بر دیوارهای کاخ‌ها و یا در کناره صفحات دست‌نوشته‌ها به صورت‌های مختلف در راستای به خدمت‌گیری ارزش‌های مسلمانان و تاریخ و تمدن آنها بود. اگر چه اسلام از همان آغاز به تزئین ساختمان‌ها و کناره لباس‌ها با استفاده از هنر تأکید کرد، اما هدف تمدن اسلام و هنرهای مسلمانان در ورای این ابداعات فرصتی مغتنم برای ارتقاء فرهنگ دینی، تاریخی و اجتماعی آنها بوده است (محسن‌زاده، محمدعلی، ۱۳۶۵: ۱۷۲). گستره زمانی معماری جهان اسلام را می‌توان از سال‌های اولیه ظهور اسلام تا پیش از گستردگی عام معماری مدرن دانست (هیلن براند، ۱۳۷۷: ۴۱). هنر اسلامی تقریباً با روی کارآمدن سلسله «امویان» در سال ۴۱ ه.ق و انتقال مرکز خلافت امویان از مدینه به دمشق، پدید آمد. با این انتقال، هنر اسلامی ترکیبی از هنر سرزمین‌های همسایه به ویژه ایران گردید. اصول معماری اسلامی ایران را می‌توان به پنج اصل تقسیم کرد: مردم‌واری، پرهیز از بیهودگی، نیارش، خود بسندگی و درونگرایی.

۲-۴ سبک‌های معماری اسلامی

الف- سبک خراسانی: با طلوع اسلام ساخت بناهای مذهبی به خصوص مساجد آغاز گردید. سبک خراسانی اولین سبک معماری اسلامی بوده، چون اولین بناها در خراسان ایجاد شده، لذا به سبک خراسانی معروف است. این سبک در قرون اولین (۱ تا ۴ هجری) رایج بوده و تحت تأثیر پلان و نقشه مساجد عربی با ساختمانی ایرانی (پارتی) با فضای ساده (فاقد تزئینات) بنا احداث شده‌اند. (پیرنیا، ۱۳۷۲: ۱۰).

ب- سبک رازی: سبک رازی دومین سبک معماری پس از اسلام در ایران می‌باشد. که اوج آن در دوره‌ی سلجوقی بوده است. چون اولین بناها در شهر ری (راز) احداث گردیده، به سبک رازی معروف است. از مهمترین تغییرات این سبک حذف فضای شبستانی و ستون‌های آن و احداث ایوان، گنبد با پلان چهار ایوانی می‌باشد. (همان منبع، ص ۹)

ج- سبک آذری: آذری، سبکی در معماری اسلامی ایران منسوب به آذربایجان، مشهور به سبک مغول یا ایرانی - مغول و مقارن با دوره حکومت ایلخانان بر ایران (۷۳۶-۶۵۴ ق/ ۱۲۵۶-۱۳۳۶ م) است. با ورود مغولان (ایلخانی) این شیوه معماری آغاز گردید و تا زمان صفویه ادامه داشته است. چون اولین بناها در تبریز احداث گردید به سبک آذری معروف است. دوره‌ی حکومت غازان خان را آغاز سبک آذری می‌دانند. سبک آذری خود به دو شیوه قابل تفکیک می‌باشد:

ج-۱- شیوه‌ی اول سبک آذری مربوط به دوره‌ی ایلخانی به مرکزیت تبریز با ویژگی‌های زیر:

۱. ساخت بناهای سترگ و عظیم
۲. توجه به تناسب عمودی بنا
۳. ساخت ایوان با پلان مستطیل شکل
۴. تنوع در ایوان سازی
۵. استفاده از تزئیناتی چون گچ‌بری، کاشی زرین فام و کاشی نقش برجسته.

ج-۲- شیوه‌ی دوم سبک آذری مربوط به دوره‌ی تیموری به مرکزیت سمرقند با ویژگی‌های زیر:

۱. ساخت ساقه (گلوگاه) بین فضای گنبد و گنبد خانه.

۲. ایجاد سطوح ناصاف در تمامی بنا.

۳. استفاده از تزئینات کاشی معرق (موزاییک کاری)

دوره‌ی تیموری اوج معماری سبک آذری می‌باشد(همان منبع، ص ۹)

سبک اصفهانی: به شیوه‌ی معماری دوره‌ی صفویه، سبک اصفهانی اطلاق می‌شود. چون اولین بنا در شهرهای اصفهان ساخته شده و به سبک اصفهانی معروف است. دوره‌ی حکومت شاه عباس را عصر طلایی سبک اصفهانی می‌دانند(پیرنیا، ۲۲:۱۳۸۶).

۳-۴- معماری عناصر تزئینی اسلامی بناهای تاریخی و مسجد در دوره ایلخانی

در دوره ایلخانان معماری ایران به تدریج دچار تحولات و پیشرفت‌هایی شد و تزئینات گچبری، کاشی‌کاری و آجرکاری با مهارت خاص در ابنیه این دوره جلوه‌های زیبایی از هنر معماری ایران را به وجود آوردند. در عهد ایلخانی گچبری پیشرفت فراوانی یافت و نمونه‌های گچبری‌های این دوره در محراب مسجد جامع اصفهان، مسجد جامع ارومیه و مسجد اشترجان برتری آن را بر دوره‌های متقدم و حتی متأخر به نمایش می‌گذارد. از مشخصه‌های معماری این دوره تأکید فراوان بر ایجاد تزئینات زیبا و هنرنمایی در داخل بناها است و به نمای خارجی ساختمان‌ها توجه زیادی نمی‌شده است. مسجد اشترجان و مسجد فرومد نمونه‌هایی از این ابنیه می‌باشند که جدای از تزئین سر در مدخل اصلی به نمای خارجی توجهی نگردیده است. در این شیوه احداث سردری‌های بلند و مرتفع و دو مناره در دو طرف آن مورد توجه قرار گرفت و این سبک از معماری از زمان ایلخانان توسعه یافت. یکی از مهمترین ابنیه این دوره ساختمان‌های موجود در سلطانیه زنجان است که قبر سلطان محمد خدابنده در آن قرار دارد. آرامگاه سلطانیه از زیباترین بناهای این دوره و از شاهکارهای معماری عهد ایلخانی به شمار می‌رود. این مقبره زیبا به شکل بنایی هشت ضلعی ایجاد شده که هر ضلع آن ۱۷ متر طول دارد و ارتفاع گنبد آن از سطح زمین ۵۱ متر و قطر دهانه آن ۵/۲۵ متر است. در طرح و ساختمان این گنبد ابداعاتی به کار رفته که در تاریخ معماری ایران بعد از اسلام از اهمیت زیادی برخوردار است از جمله این که بار وارده از سقف و گنبد به روی تکیه‌گاه‌های منفردی وارد می‌شود و علاوه بر آن گنبد مقبره بدون پشت بند و پاشانه و وسیله تقویت کناری دیگری ساخته شده است(تصویر ۲)، (پیرنیا، ۱۳۸۸: ۴۶).



تصویر ۲- گنبد سلطانیه زنجان، مأخذ: سایت اینترنتی نمناک، ۱۴۰۰

در ساختمان‌های دوره ایلخانی اهمیت زیادی به عمودیت و ظرافت اشکال انتخاب شده داده شده است. در دوره ایلخانی ایوان‌ها باریک‌تر و مرتفع‌تر می‌شوند و هم‌چنین ستون‌ها با تعداد بیشتر و نزدیک‌تر به هم قرار گرفته و خطوط باریک‌تر دارند و تزئینات به کار رفته در دیوارهای ایوان آن منحصر به فرد است.(تصویر ۳ و ۴). در داخل شبستان دیوارها را نازک می‌ساختند و فقط نقاطی که مقام سنگینی گنبد بر روی آنها بود ضخیم می‌ساختند. نوع و شکل قبله و گنبد دوره سلجوقی و در زمان ایلخانان ادامه پیدا کرد و قبه‌های مقدس رونق بیشتری گرفت. نمونه این نوع گنبد در سال ۱۰۰۷ ه.ق در گنبد قابوس به کار برده شد(شهبازی ۱۳۸۹).



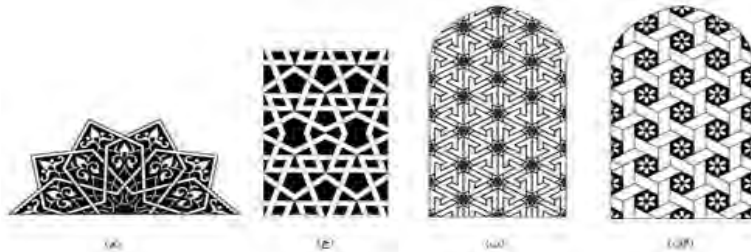
تصویر ۴- ایوان مسجد جامع ورامین و تزئینات داخل ایوان، مأخذ: شکفته، ۱۳۹۱



تصویر ۳- ایوان مسجد جامع ورامین و تزئینات داخل ایوان، مأخذ: شکفته، ۱۳۹۱

گچبری در ابتدا بیشتر به منظور پوشاندن سطوح زمخت و تزئین آن‌ها به کار گرفته می‌شد، اما در قرن پنجم هجری قمری، گچبری از حالت تزئینی ساده خود خارج شد و به شکل پوشش تزئینی منحصر به فرد درآمد. تزئینات گچبری معمول در دوره

سلجوقی، در عصر ایلخانی به تدریج رو به دگرگونی رفت و پرکاری و آراستگی زیاد، ویژگی گچبری این دوران شد. به وجود آمدن محراب‌های گچی گسترده با انواع اقلام خط، به ویژه گونه‌های مختلف کوفی، به کارگیری انواع گره‌های هندسی، نقوش اسلیمی و ختایی در لابه لای کتیبه‌ها با گل و برگ‌های پهن و نیز برجستگی و فرورفتگی زیاد نقوش، موجب تحولی عظیم و خلق شاهکارهای زیبایی گچبری در دوره ایلخانی و به سرحد کمال مطلوب رسیدن آن شد (تصویر ۵)، (پوپ، ۱۳۷۳: ۱۴۷).



شکل ۳ (الف تا د) - چند نمونه از نقوش گره در تزئینات سه کتب‌ها

تصویر ۵- نقوش گره در تزئینات، مأخذ: شکفته، ۱۳۹۱

محراب‌ها، دارای ترکیب اصلی و عمده محراب (یعنی طاق نوک تیز بر روی ستون‌های کوچکی که فضای فرورفته ای را در بر گرفته و چند ردیف مزین شده با اسلیمی و کتیبه از سه سمت گرداگرد آن) هستند، که پیش از آغاز دوره سلجوقی مرسوم شده بود. تزئینات گچبری نیز متأثر از تزئینات دوره سلجوقی اند، البته با تفاوت‌هایی که باعث تمایز تزئینات این دو دوره می‌شود. از جمله این تفاوت‌ها، تمایل بسیار به آراستگی و ظرافت در طرح و برجسته‌نمایی در اجراست که این خصوصیت در اکثر ابنیه متعلق به این دوره وجود دارد. تزئینات محراب مسجد جامع ارومیه (۶۷۶ هـ ق) یکی از بهترین این نمونه‌هاست که احتمالاً قدیمی‌ترین محراب گچبری شده پس از استیلای ایلخانیان است. مهارت به کار رفته در اجرای محراب در نوع خود بی‌نظیر، و طرح و نقش آن، آراسته‌تر و پیچیده‌تر از نمونه‌های دوره سلجوقی است. از دیگر نمونه‌های شاخص و بی‌نظیر گچبری این دوران که در آن‌ها آراستگی و پرکاری فراوان دیده می‌شود، گچبری‌های بقعه پیربکران (۷۱۲ هـ ق)، محراب مسجد جامع اشترجان (۷۱۵ هـ ق) و محراب مسجد جامع ورامین (۷۲۲ هـ ق) را می‌توان نام برد (تصویر ۶ و ۷).



تصویر ۷- تزئینات و نوشته‌های محراب مسجد جامع ارومیه، مأخذ: شکفته، ۱۳۹۱



تصویر ۶- تزئینات و نوشته‌های محراب مسجد جامع ارومیه، مأخذ: شکفته، ۱۳۹۱

کتیبه‌های کوفی (که عموماً شامل آیات قرآن و یا احادیث پیامبر (ص) و امامان (ع) بوده و در انتهای کتیبه تزئینی، تاریخ و نام بانی و یا هنرمند نگاشته شده است)، از قرون اولیه اسلامی به عنوان تزئین و تبرک در ابنیه کاربرد داشته‌اند. در قرون اولیه اسلامی، کتیبه به چند شکل اجرا می‌شد: انواع کوفی به رنگ آبی تیره یا روشن و سیاه بر روی آندود گچ دور تا دور بنا نوشته می‌شد؛ دو نمونه ارزشمند آن در مسجد جامع نائین و کتیبه بقعه پیر علمدار دامغان (۴۱۸ هـ ق) دیده می‌شود. این شیوه در دوره سلجوقی تکامل پیدا کرد و کتیبه‌های گچبری به شکل برجسته با تزئینات مختلف (کوفی موزق و مشجر) در ابنیه دیده می‌شود و در بعضی از آثار زمینه کتیبه به نقش اسلیمی مزین گردیده‌اند. در دوره ایلخانی، کتیبه‌ها آراسته‌تر، ظریف‌تر و مزین‌تر به نقوش اسلیمی با گل و برگ‌های متنوع شده که در برخی با برجستگی زیاد اجرا شده‌اند (شکفته، ۱۳۹۱).

کتیبه‌های کوفی (که عموماً شامل آیات قرآن و یا احادیث پیامبر (ص) و امامان (ع) بوده و در انتهای کتیبه تزئینی، تاریخ و نام بانی و یا هنرمند نگاشته شده است)، از قرون اولیه اسلامی به عنوان تزئین و تبرک در ابنیه کاربرد داشته‌اند. در دوره ایلخانی،

کتیبه‌ها آراسته‌تر، ظریف‌تر و مزین‌تر به نقوش اسلیمی با گل و برگ‌های متنوع شده که در برخی با برجستگی زیاد اجرا شده اند (تصاویر ۸ و ۹)، (ایمانی ۱۳۸۵، ۲۱۰).



تصویر ۹- خط کتیبه محراب مسجد جامع تبریز ترکیبی از کوفی گره‌دار و مورق است و هماهنگی مناسبی با تزئینات گیاهی دارد مأخذ: ایمانی ۱۳۸۵، ۲۱۰



تصویر ۸- محراب آستان قدس رضوی، نقوش اسلیمی با آیات قرآنی، مأخذ: ایمانی ۱۳۸۵، ۲۱۰

در تزئینات معماری اسلامی کتیبه‌ها در مقام طرح، درخور تحسین‌اند. دلیل عمده کتیبه‌های زیبای گچبری، همکاری گچکاران و خوشنویسان در کنار یکدیگر است به شکلی که آهنگ و حرکت حروف کوفی و نسخ به صورت عجیبی با گل و بوته‌های متن در هم آمیخته است. با ظهور یاقوت مستعصمی (قرن هفتم) خطوط متنوع اسلامی محدود و ثابت گردید و اقلام مختلف به شش قلم ثلث، نسخ، ریحان، محقق، توقیع و رفاع منحصر شد که در این بین، ثلث و ریحان بیشتر از سایر اقلام نوشته شده است (تصاویر ۱۰ و ۱۱)، (فضائلی ۱۳۶۲، ۲۰۵ و ۳۱۴).



تصویر ۱۱- بخش عمده‌ای از خلاقیت کتیبه‌های کوفی دوره‌ی ایلخانی از این اتصال‌ها نشأت گرفته، کتیبه محراب مسجد جامع تبریز، مأخذ: Arktourism.ir



تصویر ۱۰- کتیبه با قلم ثلث و نرم مسجد جامع ورامین (۷۲۲ ه.ق)، مأخذ: Arktourism.ir



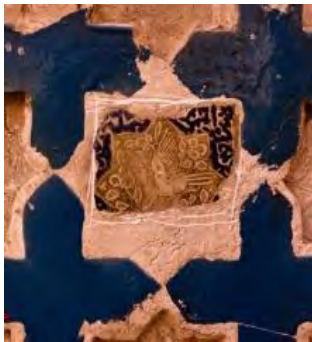
تصویر ۱۲- مقبره پیر بکران، مأخذ: عکس از نصراله شهنازی، ۱۳۹۰

نقوش لانه زنبوری از تکرار یک یا چند فرم هندسی توخالی نظیر مثلث، شش ضلعی، دایره و ... ایجاد می‌گردند که در کنار هم طرح مشبک می‌سازند. این شبکه‌ها گاه به روی سطح تخت گچ، گاه بر روی نقوش اسلیمی گل و یا موتیف‌های مختلف ظاهر می‌گردند شروع این تکنیک را از قرن چهارم هجری دانسته‌اند (تصویر ۱۲).

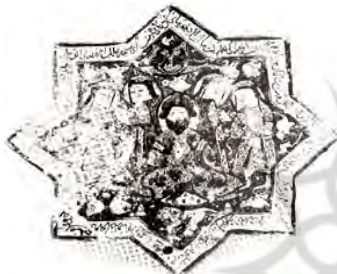
بقعه یا آرمگاه شیخ نورالدین عبدالصمد نطنزی، که دارای گنبدی هشت وجهی مخروطی شکل دو جداره یا دو پوسته است که جداره بیرونی تشکیل شده از آجر و کاشی‌های فیروزه‌ای برای تزئینات و جدار داخل آن را مقرنس کاری گچی فوق‌العاده بی نظیری را تشکیل می‌دهد.

هنگامی که از مرکز بقعه به مقرنس کاری زیر گنبد نگاه می‌کنیم طرح گلی را نشان می‌دهد که گلبرگ‌های آن به سمت پایین باز شده باشند و در قسمت قاعده گنبد کتیبه‌ای به صورت گچ بری برجسته به خط ثلث بر روی زمینه گل و بوته، کار شده

است که شامل آخر آیه ۱۶۷ و ۱۶۸ و بخش اول آیه ۱۶۹ سوره آل عمران می باشد و در انتهای آن نام خلیفه ابن حسین ماستری به تاریخ ۷۰۷ ه.ق ذکر گردیده است. بقعه یا آرامگاه دارای ازاره چینی فوق العاده نفیسی بوده که توسط کاشی های هشت پر زرین فام از دوره ایلخانی تزئین شده و توسط کاشی های فیروزه ای چهارپر صلیبی شکل احاطه شده بودند که کاشی های قسمت ازاره چینی و محراب بقعه در دوره قاجاریه به موزه ویکتوریا آلبرت لندن انتقال داده شده است (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳- بقعه یا آرامگاه دارای ازاره چینی فوق العاده نفیسی بوده که توسط کاشی های هشت پر زرین فام از دوره ایلخانی تزئین شده، مأخذ: عکس از نصراله شهنازی، ۱۳۹۰



تصویر ۱۴- کاشیکاری زرین فام به سبک بنائی، مأخذ: رضاعباسی، ۱۳۶۱-۱۳۶۵

کاشی های زرین فام بناهای غیر مذهبی دوران قبل ایلخانی - قبل از حمله مغولان در قرن سیزدهم / هفتم - به دو دسته عمومی تقسیم می شوند: کاشی های کوچک زرین فام چند ضلعی با اندازه ۹/۵۱ تا ۱۳/۲ سانتی متر، همان طور که در تصویر آمده و ستاره ها و چلیپاهای بزرگ در اندازه ۳۱/۱ سانتی متر، رایج ترین شکل کاشی های کوچک، کاشی های ستاره ای هشت ضلعی بوده که با ماشین های تکرنگ لعابی ترکیب می شوند. مثل پانلی که در موزه ویکتوریا و آلبرت لندن وجود دارد. اشکال دیگر را ستاره های شش ضلعی و در برخی موارد، کاشی های شش گوشه تشکیل می دهند. تصاویر روی آنها معمولا حیوانات کوچک یا مردان نشسته می باشند. در این نوع کاشی، از خطاطی کمتر استفاده شده، اما دو شیوه نقاشی در آن مشاهده می شود. نقش های ریز با خطوط باریک به همراه تزئینات گیاهی و طرح های اسلیمی منحنی مانند حکاکی شده در زمینه لعاب، مانند تصویر زیر که توسط "الیور استون" طرح کاشان نامیده شده است. و نقش های خشن تر با خطوط ضخیم تر به همراه طرحهای گیاهی که روی زمینه صاف نقاشی شده اند، (مثل تصویر ۱۴، به سبک بنائی).

این کاشی مربوط به نوع بزرگتر کاشی رایج در دوره ماقبل ایلخانی است. بعضی از کاشی های ستاره شکل هشت ضلعی منقوش، پیکره های انسانی را به تصویر کشیده اند. اندازه: تقریباً ۳۱/۱ سانتیمتر. این کاشی ها غالباً یک رباعی به زبان فارسی در حاشیه خود دارند. ۹ قطعه از این کاشی ها تاریخدار و چهار قطعه با امضای "ابوزید" می باشند. چون تاریخ آنها بین سال های ۶۰۰/۱۲۰۳ تا ۶۱۰/۱۲۱۳ بوده، مشخص است که به تنهایی در یک ساختمان نصب شده اند. نقاشی روی این کاشی صحنه ای سنتی است؛ حاکمی ریشدار که روی تخت نشسته و چهار کنیز از او پذیرائی می کنند. حضور یک ببر خوابیده در جلوی او به همراه نقش پرنده، احتمالاً صحنه خارج از ساختمان را القا می کند.

سبک ، طرح کاشان "الیور واتسون" با نقش های ریز است. به رغم اینکه نوشته ها در سبک شیبار منحنی نگارش یافته و تقریباً خراب شده اند با این حال، امکان مشاهده سه رباعی وجود دارد. یکی از آنها توسط "مهدی بهرامی" خوانده شده و تاریخ آن، نیز به چشم می خورد. ترجمه یکی از رباعیات فارسی به شرح زیر است:

غم در ره عشق، کمتر از شادی نیست
هر چند بیابان بلا ، هست دراز
جز شادی و غم، زمانه را یادی نیست
با تو بس عشق، غیر شادی نیست

قدیمی ترین کاشی لعابدار تاریخ که از ترکیب چلیپا و ستاره تشکیل شده، از تزئینات ازاره امامزاده یحیی در ورامین به دست آمده است، (تصویر ۱۵)، براساس نوشته های روی سنگ قبر این امامزاده که اکنون در موزه "ارمیتاژ سن پترزبورگ" نگهداری می شود، این ساختمان، آرامگاه امامزاده یحیی در ورامین بوده که شرح زندگی آن حضرت مجهول مانده است. بیش از ۱۵۰ کاشی در بدنه بنا وجود داشته که اکنون در موزه های مختلف سراسر جهان نگهداری می شوند و از نوع کاشی های چلیپای ستاره ای و نقش اصلی آنها گیاه یا طرح های هندسی می باشند. اندازه کاشی ها به ۳۱/۱ سانتیمتر می رسد. لعاب زرین فام آنها تکرنگ بوده و بدون هیچ گونه رنگی حاشیه های چلیپا - ستاره ای آنها با خط نگاره های قرآنی تزئین شده اند. برخی از کاشی ها تاریخ دار بوده و تاریخ آنها به ۶۶۱/۱۲۶۲ بر می گردد (فضائل ۱۳۶۲، ۲۰۵، ۳۱۴).

تیبه حاشیه تصویر فوق، سوره فاتحه؛ آیات ۷-۱ و سوره ۱۱۲ اخلاص؛ آیات ۴-۱ می باشد. و تاریخ آن " به تاریخ ماهی سنه احدی و ستین و ستمائه" در ماهی از سال ۶۶۰ مصادف با سال ۱۲۶۳ - ۱۲۶۲ است. نکته جالب توجه اینکه، واژه "ماه" به فارسی بوده، در حالی که ، بقیه تاریخ به عربی نوشته شده است. استفاده از زبان فارسی در کاشی این زمان برای تاریخ یا بخشی از آن بسیار غیر عادی است. قطعه بزرگتر مربوط می شود به سوره فاتحه؛ آیات ۷-۶ و به دنبال آن عبارت "بسم الله" که در آغاز هر سوره قرآن به غیر از سوره توبه آمده: "بسم الله الرحمن الرحیم:" "بنا خداوند بخشنده مهربان" - و عبارت "ومن" به معنی "کسی که" احتمالاً به آغاز بخش دیگر از قرآن مربوط می شود... قطعه کوچکتر حاوی آیه ۲۵۵ سوره بقره می باشد.

این قطعه اصلی (تصویر ۱۶)، نمونه دیگری از کاشی حاشیه ای قالبگیری شده تخت سلیمان بوده که تصویری از یک اژدهای برجسته را به سبک چینی با پس زمینه ای از ابرهای چینی به نمایش گذاشته است. تمامی کاشی های به دست آمده در جریان حفاری های این محل دارای همین نقش می باشند و با شیوه رنگ آمیزی لاجوردی ساخته شده اند. نمونه لعابدار آنها نیز ظاهراً از همان قالب ساخته شده و در مجموعه های مختلف موجود می باشند. این کاشی، گواهی مهم بر تأیید نقوش چینی در دوره ایلخانی ایران بوده که شامل اژدها و ققنوس به عنوان نماد امپراتوری چین می باشند. مغول های حاکم بر ایران، هنرمندان چینی را در دربار خود به کار می گرفتند. ولی چون سبک استفاده شده در این کاشی کاملاً ایرانی بوده، احتمال دارد که هنرمندان ایرانی به تقلید از مدل های چینی آن را ساخته باشند (فضائلی ۱۳۶۲، ۲۰۵ و ۳۱۴).

این کاشی به سه بخش افقی تقسیم شده است: بخش بالایی، از یک حاشیه تزئینی همراه با نقوش گیاهی و پرندگان مقابل یکدیگر تشکیل شده است. این فرم تزئینی در کاشی های مذهبی غیر مدلول بوده و شاید به همین دلیل چهره پرندگان نامشخص است. بخش بزرگ مرکزی، دارای کتیبه برسته به رنگ آبی بوده و زمینه آن با پرندگان بدون چهره و طرح های اسلیمی پر شده است. بخش پایینی، با طرح های باریک یک شکل در خانه های جداگانه تشکیل شده است. کتیبه عربی آن عبارت است از " سنه سبع و سعه سعماته سال ۱۳۰۸ - ۷۰۸/۱۳۰۷ - ۷۰۷ حرف "ل" قبل از سال، شاید آخرین حرف از ماه عربی شوال باشد. به رغم اینکه استفاده از نقش پرندگان کاربرد این کاشی را در بناهای غیر مذهبی را مطرح می کند ولی این کاشی متعلق به کتیبه مرقد شیخ صوفی عبدالصمد در نطنز می باشد. شیلا بلر اظهار نموده که این کتیبه روی شش رج کاشی های چلیپا ستاره ای در دیوار مرقد داشته است. در حدود ۲۰ کاشی در مجموعه های مختلف جهان متعلق به این کتیبه شناسایی شده که حاوی آیاتی از سوره دهر قرآن می باشند (تصویر ۱۷).



تصویر ۱۵ - ترکیب چلیپا و ستاره، امامزاده یحیی، مأخذ: رضاعباسی، ۱۳۶۰ - ۱۳۶۵



تصویر ۱۶ - کاشی لعاب زرین فام با لکه های لاجوردی و فیروزه ای، تخت سلیمان، مأخذ: رضاعباسی، ۱۳۶۱ - ۱۳۶۵



تصویر ۱۷ - آیات قرآنی به کار رفته در کاشیکاری، تخت سلیمان، مأخذ: رضاعباسی، ۱۳۶۱ - ۱۳۶۵

این یک کاشی کتیبه ای است که نوشته آن عبارت "بسم الله" : "به نام خداوند" را شامل می شود. این عبارت با خط ثلث - یکی از شیوه های انحنادار خطوط عربی - نگاشته شده و به صورت برجسته و با آبی کبالتی رنگ گردیده است. پس زمینه آن، پیچک های گیاهی، برگ نخل ها، نقطه گذاری ها و حلزونی هایی که به صورت زرین فام اجرا شده، می باشد. دو کاشی دیگر وجود دارد که شبیه برخی کتیبه های موزه هنر متروپولیتن (۴۰/۱۸۱/۱۵ و ۴۰/۱۸۱/۱۴) به نظر می رسند. سایر کاشی ها در موزه های ویکتوریا و آلبرت لندن و موزه فلورانس ایتالیا نگهداری می شوند. کتیبه های کاشی ها از قرآن سوره یس، آیات: ۲۸-۷ اقتباس شده اند. شیلا بلر اظهار داشته که این کاشی ها متعلق به دیوار جنوبی آرامگاه عبدالصمد در نطنز می باشند (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۸ - آیات قرآنی به کار رفته در کاشیکاری، آرامگاه عبدالصمد در نطنز، مأخذ: رضاعباسی، ۱۳۶۱ - ۱۳۶۵

۵- نتیجه‌گیری

آغاز حکومت ایلخانی با تغییر و تحولاتی در معماری ایران همراه بود که عمده آن نتیجه تأثیرات اجتماعی حمله مغول بود. معماری ایران اگر چه در گذشته آمود و سازه را به صورت یکپارچه اجرا می‌کرد، در دوره ایلخانی از دو لایه مجزای بهم پیوسته استفاده کرد. افزودن لایه دوم یا نما، دست هنرمند را در تزئین بنا بازتر می‌گذاشت، به همین دلیل و نیز به علت تعجیل در بازسازی کشور ویران شده بدست مغول، هنرمندان به در دسترس‌ترین و سیال‌ترین ماده ساختمانی برای تزئین یعنی گچ روی آوردند. تزئین با گچ در سراسر دوران ایلخانی مرسوم‌ترین نوع تزئین معماری بود و عمده محراب‌های ایلخانی با این ماده ساخته شده‌اند. رواج اسلام و تدین ایلخانیان به دین اسلام و تمایل آنها به تشیع، تصوف را در این دوره تقویت کرد. حکمرانان مغول از جمله غازان خان عمیقاً تحت تأثیر میراث هنری ایران قرار گرفته و با پذیرش دین اسلام به ترویج هنرهای اسلامی پرداختند. از دوره ایلخانی به عنوان عصر طلایی هنر گچبری یاد کرده‌اند؛ در این دوره هنر گچبری به سرحد کمال مطلوب رسید. هنرمندان در این زمان تلفیقی از هنرهای مختلف را در تزئین ابنیه و آثار معماری به کار برده‌اند که شایان توجه است. تزئینات و کتیبه‌های گچبری دوره ایلخانی بسیار شبیه و نزدیک به طرح‌های دوره سلجوقی است. تنها تفاوت میان گچبری این دو دوره را گرایش سلجوقیان به گچبری های تک رنگ و استفاده از تنوع رنگی در گچبری های دوره ایلخانی دانسته‌اند. ظهور کاشی‌های زرین فام در دوره ایلخانی، نمایانگر اوج پیشرفت فرهنگ و هنر و علم ایرانی است، که با برداشتن مضامین ادبی و عرفانی اهمیت بسیاری را در گستره‌ی زمان برای خود به وجود آورده‌اند. پیچیدگی شیوه‌ی سفال زرین فام و مفاهیم نگاره‌ها و کتیبه‌های روی کاشی از این جهت که برای اولین بار این نوع نوشته‌ها و نگاره‌ها در بافت اجتماعی مطرح شده‌اند، توجه خاصی را به خود جلب می‌کند. از دوره ایلخانی شاهد استفاده فراوان از خط ثلث در کتیبه‌های معماری هستیم. اگرچه این خط پیش از این نیز در بناها استفاده می‌شد، اما در این دوره به طور چشم‌گیری رواج یافت. از دلایل استفاده آن می‌تواند تغییر در ماده تزئین باشد. چنانچه خط کوفی قرابت بیشتری با آجرکاری داشت که در دوره‌های پیش از ایلخانی، تزئین مرسوم بود. زیرا خط کوفی دارای دور کمتر و زاویه بیشتر است و به عکس ثلث دارای دور بیشتری بوده و با گچ قابل اجرائر است. علی‌رغم آن خط کوفی نیز در این دوره منسوخ نشد، و به طرق مختلف در کتیبه‌ها پدیدار گردید. ترکیبی از این دو خط، در کنار همدیگر، پدیده‌ای را به نام «کتیبه مادر و فرزند» در این دوره به وجود آورد. همچنین شاهد ترکیب سه خط کوفی، بنایی و ثلث در برخی محراب‌ها هستیم. علی‌رغم این تحولات، برخی سنن پیشین خوشنویسی نیز هنوز مورد استفاده بود؛ از جمله نادیده گرفتن نقطه‌ها که در برخی محراب‌ها شاهد آن هستیم و علاوه بر اینکه پایبندی هنرمندان به سنن خط کوفی ابتدایی را - که بدون نقطه نگاشته می‌شد - نشان می‌دهد، نمایانگر دیدگاه طراحان محراب‌ها به خط به عنوان عنصری بصری می‌باشد. مفاهیم مورد استفاده در کتیبه‌ها نیز، مفاهیم خاص و مختلفی است. از آیات قرآن، آیه الکرسی، آیات محراب در سوره شریفه بقره، آیات نور در سوره مبارکه نور و نیز سوره حمد و سوره جمعه بیش از سایر آیات در محراب‌های دوره اسلامی مورد توجه بوده است. چهارده ویژگی بصری شاخص در گچبری ایلخانی (آراستگی و ظرافت، اسلیمی و گل بوته‌ها، اقلام غیر از خط کوفی، کتیبه عنصر اصلی تراشیدنی، کتیبه‌های بنایی و معقلی، کتیبه مادر و فرزند، کتیبه‌های کوفی گره دار، تکنیک لانه زنبوری، نقوش هندسی گره، ستونچه‌های پیچ دار، محراب سه گوش، محراب مقرنس، رنگ در گچبری، نقوش تذهیب در گچبری)، شناسایی شدند. این ویژگی‌ها شامل طراحی بر پایه استفاده از اقلام خط و استفاده از کتیبه به عنوان عنصری مهم در نمونه‌های گچبری به خصوص در محراب‌ها، آراستگی زیاد نقوش، کاربرد کتیبه مادر و فرزند، کوفی‌های گره دار، استفاده از پیچ تزئینی در ستونچه‌های گچی، طاق نماهای سه گوش در محراب‌های گچی، محراب‌های گچی مقرنس، نقش گل‌های شاه عباسی و روزت (چند پر)، و نقش رنجیره خمپا (ماندر)، و بهره‌گیری از نقوش تذهیب نسخ خطی در تزئینات اند که به عنوان ویژگی‌های بارز گچبری در دوره ایلخانی شناسایی و معرفی شده‌اند.

منابع

۱. اقبال آشتیانی، عباس، (۱۳۸۴)، «تاریخ مغول از حمله چنگیز تا تشکیل دولت تیموری»، تهران: موسسه انتشارات امیرکبیر
۲. ایمانی، علی، (۱۳۸۵)، «سیر خط کوفی در ایران»، تهران: انتشارات زوار
۳. برند، رابرت هیلن، (۱۳۷۷)، «معماری اسلامی»، ترجمه: ایرج اعتصام، تهران: نشر شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری
۴. پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۴)، «آشنایی با معماری اسلامی ایران»، تهران: نشر سروش دانش
۵. پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۸۶)، «سبک‌شناسی معماری ایرانی»، تهران: انتشارات سروش دانش
۶. پیرنیا، محمدکریم، (۱۳۷۲)، «شیوه‌های معماری اسلامی ایران»، تهران: موسسه نشر هنر اسلامی
۷. شکفته، عاطفه، (۱۳۹۱)، «ویژگی‌های بصری شاخص تزئینات گچبری معماری عصر ایلخانی»، فصلنامه مطالعات معماری ایران، دوره ۱، شماره ۲، صص ۷۹-۹۸
۸. عباسی، رضا، (۱۳۶۵-۱۳۶۵)، «موزه کاشیکاری ایران»، جلد ۵
۹. عیسی حجت و ملکی مهدی، (۱۳۸۸)، «هندسه مسجد ایرانی»، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱، شماره ۳۸

۱۰. فضائلی، حبیب‌الله. (۱۳۶۲). «اطلس خط تحقیق در خطوط اسلامی»، اصفهان: انتشارات مشعل
۱۱. کیانی، محمد یوسف، (۱۳۶۶)، «معماری ایران دوره ی اسلامی»، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی
۱۲. کیانی، محمدیوسف، (۱۳۷۶)، «تزیینات وابسته به معماری ایران دوره اسلامی»، تهران: سازمان میراث فرهنگی
۱۳. محسن‌زاده، محمدعلی، (۱۳۶۵)، «معماری اسلامی؛ منعکس کننده ارزش های تاریخی و تمدنی مسلمانان»، فصلنامه اثر، انتشارات سازمان ملی حفاظت آثار باستانی، دوره ۷، شماره ۱۲
14. www.ArisNasr.ir
15. Pope, A., U. 1995. (vol. VIII) A survey of Persian Art, Oxford University Press.

